

پیشگفتار

سپاس به درگاه خداوند متعال که توفیق داد بتوانم مجموعه نوشته‌ها، ایده‌ها، و یادداشت‌برداریهای چندساله خود را در زمینه نظریه‌های توسعه در کتابی مختصر تدوین کنم. شایسته است پیش از ورود به مباحث اصلی کتاب چند نکته را با خواننده گرامی مطرح کنم. همیشه احساس می‌کردم که دسته‌بندی رایج ادبیات توسعه به «نوسازی، وابستگی و نظام جهانی»، ظرافتهایی را در تشریح این سه دیدگاه نادیده می‌گیرد. بنابراین، درصدد برآمدم، با نگاهی پارادایمی و کلان‌تر، دسته‌بندی دیگری نیز از ادبیات توسعه ارائه کنم.

از خودم پرسیده‌ام که، با وجود کتب متعدد و پرمطالبی که در حوزه توسعه وجود دارد، جایگاه این کتاب، در مقایسه با سایر کتابهای موجود در این زمینه، کجاست. آیا کتاب حاضر از نظر محتوا با آثار موجود فارسی تفاوتی دارد؟ چه کاستیهایی در آثار فارسی توسعه وجود دارد که این کتاب در رفع آنها کوشیده است؟ واقعیت این است که در این کتاب، ضمن ارج‌گذاری و اذعان به اهمیت کتابهای تألیفی و ترجمه‌ای موجود در حوزه توسعه، برخی از خلأها و کاستیهای بارز آنها برطرف شده است. ممکن است برخی از خوانندگان چیزی را که ما کاستی می‌بینیم نقص نبینند و همچنان کوشش کتاب را در راستای تلاش کتابهای دیگر، البته کمی مفصل‌تر، بپندارند، اگر چنین باشد، به طور قطع، من به مقصدم نرسیده‌ام، لکن زحمت و دقت زیادی که در جستجو و مطالعه آثار مختلف صرف کرده‌ام، به من این اعتماد را می‌دهد تا، با بی‌پروایی، این دسته از خوانندگان گرامی را به تأمل و تدبر بیشتر فراخوانم.

کتابهایی که با عنوان یا مضمون «جامعه‌شناسی توسعه» منتشر شده‌اند، اساساً بر محور دو موضوع بوده‌اند: واژه‌شناسی توسعه و مکتب‌شناسی توسعه. در هر دو مورد هم، کتب موجود دستاوردها و مباحث ارزشمندی داشته‌اند. در بحث واژه‌شناسی، واژه توسعه و واژگان هم‌خانواده آن، شامل نوسازی، تکامل، تحول، تطور و غیره، تعریف شده است. در بحث مکاتب نیز نظریه‌های توسعه، شامل «نوسازی» و وابستگی و نظام جهانی»، دسته‌بندی شده‌اند و نظریه‌های حداقل دو نفر از مهم‌ترین صاحب‌نظران هر مکتب تشریح شده است. برای مثال، دو کتاب پرخواننده استادان خودم، آقایان دکتر مصطفی ازکیا و دکتر تقی آزاد ارمکی، با عنوان *جامعه‌شناسی توسعه* چنین رویکردی داشته‌اند،^۱ با این تفاوت که در همین سیاق، در بیشتر کتب مربوط به جامعه‌شناسی توسعه و نوسازی، حتی کتب ترجمه‌شده نیز چنین منظری وجود داشته است.

کتابهای مذکور چون از اولین کتابهای جامعه‌شناسی توسعه در ایران هستند، ارزش خاصی دارند و کاستیهای احتمالی آنها را باید به علت قلت منابع و مشکلات همراه با شروع یک کار دانست. ویژگیهای بارز کتابهای موجود این است که:

- در این کتب، تبارشناسی، تراکم معنایی و نسبتهای مفهومی واژه توسعه و مفاهیم دیگر به وضوح بیان نشده است. تعریف یک مفهوم در کنار مفهوم دیگر وجود دارد اما نسبت میان آنها مشخص نیست. در عمده این کتابها مفهوم مدرنیته به سان گرایش فکری و فرهنگی حاکم بر ماشین توسعه تعریف نشده است.
- در این کتب نویسندگان به سرعت به دسته‌بندی رایج محققان متقدم از نظریه‌ها قناعت کرده‌اند و موضعی دست پایین برای خود برگزیده‌اند؛ البته برخی دقتها و ظرافتهای تألیف نیز در این کتب مفقود است.

۱. ر.ک.:

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی توسعه*، با همکاری غلامرضا غفاری، تهران: کلمه.

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: علم.

- نویسندگان کتب تألیفی به زبان فارسی، در جستجوی متنهای اصلی متفکران مورد بحث و استناد به کتب ایشان کاملاً کوشا نبوده‌اند. بنابراین، در بسیاری از مباحث و موضوعات حساس به گفته‌های دست‌چندم استناد کرده‌اند نه به آثار خود متفکران.

- در طرح دیدگاهها و نظریه‌ها، منطق توجه به برخی از نظریه‌ها و چشم‌پوشی از برخی دیگر نامشخص است. به احتمال زیاد، اقتصادی یا سیاسی پنداشتن برخی از نظریه‌ها، علت این چشم‌پوشی است، که البته این از کاستیهای بارز کتابهای جامعه‌شناسی توسعه در ایران بوده است که از ربط نظریه‌های اقتصاد توسعه، سیاست و مدیریت با جامعه‌شناسی توسعه غفلت کرده‌اند.

مؤلف در کتاب حاضر می‌کوشد که مشکلات موجود را برطرف کند. به عبارت بهتر، در این کتاب به دسته‌بندی رایج محققان متقدم از نظریه‌های توسعه اکتفا نمی‌شود، بلکه، بر پایه معیارهای چندگانه، نظریه‌های گوناگون در زیرمجموعه سه پارادایم مهم دسته‌بندی می‌شود. مؤلف در جستجوی متنهای اصلی متفکران مورد بحث و استناد به کتب ایشان کاملاً کوشا بوده است. بنابراین، تا جایی که ممکن بوده از استناد به گفته‌های دست‌دوم خودداری کرده است.

در این کتاب، نظریه‌هایی آمده است که در برخی از کتابهای جامعه‌شناسی توسعه نیست و البته این نظریه‌ها در کانون بحث توسعه هستند (مثلاً نهادگرایی و توسعه و مکتب تنظیم توسعه). موضوع ریسک و بحرانهای اخیر توسعه که بخش مهمی از ادبیات توسعه کنونی است، در این کتاب مورد بحث قرار گرفته است.

نکته مهم دیگر که گفتنش را در اینجا ضروری می‌دانم این است که این کتاب اساساً به دنبال طرح و ارزیابی نظریه‌های جدید توسعه، خاصه از ۱۹۷۵ به بعد، بوده است، از این رو با سایر کتابهای هم‌نام خود تفاوت دارد. کتاب با هدف ترسیم فرایند بازاندیشی در توسعه نگارش یافته و مجموعه آثار توسعه را در دو گفتمان کلان دسته‌بندی کرده و در بخشهای مجزا مورد بررسی قرار داده است:

الف) گفتمان پیشرفت، که بر بنیادهای اقتصادی توسعه تأکید می‌کند، گفتمان

تکوین ادبیات توسعه است. این گفتمان ریشه در تکامل‌گرایی دارد و بر این پیش‌فرض استوار است که توسعه، به سان قانون آهنین و عام، زندگی همه انسانها را در خواهد نوردید. علمی که پشتوانه این قانون بوده و به آن قوام بخشیده اقتصاد است. اقتصاد، تا به حال فرایند توسعه را مکانیزمی پنداشته، یعنی آن را کاملاً تابع قانون و قاعده‌های عام مشخص بررسی کرده است.

ب) گفتمان بازاندیشی، که بر فرهنگ متکی است. این گفتمان رویکردی پویا و فرهنگی به توسعه دارد و توسعه را فراتر از قاعده‌های از پیش تعیین‌شده و مشخص می‌داند. موضوع اصلی در این گفتمان، انسان و صفات بومی، تاریخی و فرهنگی اوست. ما با استدلال حاکمیت فرهنگ و دعاوی مردم‌شناختی بر این گفتمان، عنصر مسلط بر آن را انسان و فرهنگ ذکر کرده‌ایم. رویکردهای پساتوسعه با موضوعات پایداری، بازاندیش و فرهنگ، و انسان‌گرایی در توسعه، در زیرمجموعه این گفتمان قرار دارند.

از نظر من مؤلف، مهم آن است که شما خواننده گرامی مطالب و ساختار کتاب را بدیع و عمیق بیابید نه آنکه لزوماً با استدلالها و عقاید در کتاب موافق باشید. مهم این است که تلاش و کاوشهای نویسنده، عرصه‌ای را برای نگرش جدید به موضوعات توسعه باز کند. تردید ندارم که این کتاب چنین خواهد کرد. انتقادات و موشکافیهای علمی خوانندگان محترم نیز به این کار کمک خواهد کرد.

سرانجام، شایسته است که به پاس بهره‌هایی که از نظریات استادان و محققان محترم در حوزه توسعه برده‌ام، از ایشان سپاسگزاری کنم. استادان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در گروههای مطالعات توسعه، جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی حق بزرگی بر گردن بنده در تألیف این کتاب دارند. من به راهنماییها و کمکهای علمی دکتر مهدی طالب، دکتر تقی آزاد ارمکی، دکتر رحمت‌الله صدیق سروسنایی، دکتر غلامرضا جمشیدیها و دکتر ابراهیم رزاقی مدیونم. نقاط قوت کتاب را نتیجه یادگیری در خدمت دکتر مهدی طالب، دکتر مصطفی ازکیا، دکتر منصور وثوقی، دکتر ژاله شادی‌طلب و دکتر محمدجواد ناطق‌پور می‌دانم. از

دکتر حسین میرزایی، دکتر سید احمد فیروزآبادی، دکتر حسین ایمانی جاجرمی و دکتر غلامرضا غفاری نیز به عنوان همکاران فرهیخته خود یاد می‌کنم. این کتاب را به نشانه امتنان به استادان یادشده تقدیم می‌کنم و خود را همچنان نیازمند راهنمایی‌های ایشان می‌دانم.

از کسانی که اینجانب را در تدوین این کتاب یاری کرده‌اند سپاسگزاری می‌کنم. آقای دکتر آزاد ارمکی مشوق من در تدوین کتاب و تسهیل انتشار آن در سازمان «سمت» بوده‌اند، آقایان رضا عبدالرسولی و کاظم شیخ‌لر، کارشناسان محترم سازمان «سمت»، مرا در فعالیتهای مربوط به داوری و انتشار کتاب یاری کردند، خانم ندا طاهری، دانش‌آموخته جامعه‌شناسی، ویرایش کتاب را برعهده گرفتند، عنایت و همکاری این عزیزان را ارج می‌نهم. در پایان، راهنمایی، همفکری و انتقادهای اصلاحی خوانندگان ارجمند را با دیده منت می‌پذیرم و هر نوع مساعدت در این زمینه را مزید امتنان و شایان دعای خیر می‌دانم.

در پناه خداوند

موسی عنبری

عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

تابستان ۱۳۸۹